

به مناسبت کسب عنوان «مجله نمونه دانشگاه»

مروری بر تاریخچه دانشکده الهیات

هادی عالم زاده

دانشکده الهیات و معارف اسلامی

سپاس پروردگار را که به ما توفیق داد تا بتوانیم نشریه مقالات و بررسیها را پس از سی سال انتشار به آنچه شایسته شأن آن و در خور منزلت والای دانشکده الهیات است نزدیک سازیم. افتخار دریافت عنوان «مجله نمونه دانشگاه تهران» را، که در سال ۱۳۷۷ نصیب دانشکده گشت، پس از فضل و عنایت الهی مرهون همگامی و همیاری استادان فاضل و گرانمایه این دانشکده می دانیم. دانشکده الهیات با سابقه‌ای به درازای عمر دانشگاه تهران (۱۳۱۳ تا امروز) پیوسته از ظرفیت علمی، آموزشی و پژوهشی کلان و گسترده‌ای برخوردار بوده است و سبب این ظرفیت کلان و غنای علمی - تحقیقاتی، اتصال و ارتباط آن با سرچشمه‌های غنی و زلال معارف اسلامی، و اتکا و استظهار به قریب به هزار و چهارصد سال میراث فرهنگی ایران اسلامی است که از طریق آثار دانشمندان بزرگ و تعلیم و تعلم نسل به نسل به دست ما رسیده است. نگاهی گذرا به فهرست اسامی استادان این دانشکده - از بدو تأسیس تا سالهای اخیر - که غالباً مدرّسان برجسته حوزه‌های علمی یا دانش‌آموختگان و پرورش یافتگان محضر آنان بوده‌اند و نیز آشنایی اجمالی با اهداف تأسیس این نهاد علمی، فرهنگی و تحقیقاتی صحّت این مدّعا را مدلل می‌سازد؛ هر چند گهگاه - مانند هر نهاد و سازمان دیگری در هر دوره و کشوری - بر اثر عوامل مختلف سیاسی و اجتماعی از نیل به اهداف علمی، آموزشی و تحقیقاتی در خور جایگاه خویش بازمانده یا به بیراهه رفته است، و

همین ضعف موجب گشته تا گروههایی، یکسره این نهاد را بر کرسی اتهاماتی بنشانند که اثبات آنها نیاز به بررسی دقیق و دلایل استوار دارد.

شصت و چهار سال پیش، در آیین گشایش این دانشکده (در روز یکشنبه ۲۷ خرداد ۱۳۱۳ش) از زبان رئیس وقت آن می شنویم که «... این مؤسسه امیدوار می کند که فلسفه و حکمت و فقه و ادبیات دوباره به مرحله حیات جدید و رونق تازه می رسند» (مجموعه رسائل دانشکده معقول و منقول، ۹/۱) و نیز در خطابه کفیل وزارت معارف آن روز - که مدیریت دانشگاهها هم در حوزه وظایف او بوده - می خوانیم:

«این دانشکده که مهد علم و ادب گذشتگان و حافظ سیره اسلاف می باشد، به طوری که نام آن حاکی است ناشر علوم خواهد بود که یادگار نیاکان ماست... علوم عقلی و نقلی بزرگان ما نه تنها وسائل زندگانی اجتماعی را فراهم می ساخت و کار دنیا را به نظام می آورد، بلکه بر خلاف علمی که از نتایج تمدن مادی است حقایق ثابت روحانی را برای طالب علم پاداش جهد او در سیر و سلوک قرار می داد. چنانکه در حدیث از معصوم روایت است که «الْعِلْمُ بِمَنْزِلَةِ شَجَرَةٍ وَ الْعِبَادَةُ بِمَنْزِلَةِ ثَمَرَةٍ مِنْ ثَمَرَاتِهَا، فَالشَّرْفُ لِلشَّجَرَةِ وَ هِيَ الْأَصْلُ وَ لَكِنَّ الْأَنْتِفَاعَ بِثَمَرَتِهَا إِذَا لَا بُدَّ لِطَالِبِ الْعِلْمِ أَنْ يَكُونَ لَهُ مِنْ كِلَا الْأَمْرَيْنِ حَظٌّ وَ نَصِيبٌ»، و سنائی قریب به همین معنی فرموده است:

علم کز بهر باغ و راغ بود	همچو مر دزد را چراغ بود
علم دین از برای دین باید	تو چنین کن که این چنین باید

همین غایت روحانی و مقصود معنوی بود که طلاب ما را همواره تشویق می کرد با فقر و فاقه و گرسنگی ساخته و انواع مشکلات و شدائد را تحمل نموده، دست از طلب شاهد مقصود بر ندارند و منافع فانی را فدای لذائد باقی بنمایند؛ همین روئے محموده و این سیره حسنه که در این ملت جزء عادات قومی به شمار است به جایی رسید که حفظ آن از مقدّسات و ثوابت محسوب گردید تا به حدّی که برای بنای مدرسه و یاری به اهل علم و نشر کتب و تأسیس کتابخانه انواع اجر اخروی و ثواب جاودانی قائل شدند و برای آسایش و رفاه اهل علم و دانشمندان سرمایه گزافی به نام «وقف» در اصقاع مملکت ذخیره نمودند... وزارت معارف به حکم وظیفه در صدد برآمده است که به قدر مقدور و تا حدّی که وسائل و اسباب اجازه می دهد شتات این فنون و علوم شریفه را جمع آوری نماید و به موجب قانون دانشگاه خود را مکلف می داند که از بقایای دانشمندان و اساتید فقه و حکمت به قدر قوه استفاده نماید.» (همان،

پاسخ دادن به این پرسش که آیا در پس این سخنان موّجه و منطقی و خیرخواهانه نیّات و مقاصد دیگری پنهان بوده است، آسان نیست؛ با این حال کسانی به آسانی به این پرسش پاسخ داده‌اند و این پاسخ هنوز طرفدارانی دارد و همچنان، به مناسبت‌هایی که پیش می‌آید، آن را در مجامع به زبان می‌آورند و در مطبوعات منتشر می‌سازند که بی‌تردید این سخنان در دل و جان شنوندگان و خوانندگان تأثیر می‌گذارد و نتایجی به بار می‌آورد که در جای خود باید از آن سخن گفت.

تلقى این بزرگواران — که غالباً درد دین دارند و با هدف مقدس حراست از ثغور معتقدات دینی و کیان جامعه اسلامی سخن می‌گویند — این است که دانشکده الهیات با هدف دین‌ستیزی و مقابله و معارضه با حوزه‌های علمیه و سوق دادن جامعه مسلمان ایران به نوعی دینداری مطلوب رژیم وقت تشکیل شده بوده است. و برخی دیگر که مطالعاتی هم در تاریخ اروپا دارند این حرکت را پدیده‌ای قدیمی‌تر و مسبوق به اقداماتی می‌دانند که پیش‌تر از آن، در جوامع مسیحی اروپایی در جهت منزوی کردن و کنار نهادن دین و کلیسا از عرصه رهبری و مدیریت بر جامعه انجام یافته بود. ما فعلاً در اینجا در صدد نفی این نظر و این عقیده نیستیم، تنها می‌گوئیم که یافتن پاسخ درست و قطعی برای این پرسش کار آسانی نیست؛ و نیز می‌دانیم که مطالعه پدیده‌های اجتماعی و رویدادهای تاریخی و کشف علل و عوامل آنها و نیل به اهداف و مقاصد مضمّر و منطوی در این پدیده‌ها و رویدادها باید مبتنی بر قواعد و روشهایی باشد که امروز زیر عنوان «روش تحقیق» در این نوع مطالعات (مطالعات تاریخی و اجتماعی) در همه مراکز علمی و دانشگاهی تعلیم، و بر مبنای آنها عمل می‌شود، و خوشبختانه این روشها در بسیاری از مراکز علمی پژوهشی ایران اسلامی، اعم از حوزه و دانشگاه، نیز معمول و متداول است. بر پایه همین روشهای تحقیق می‌توانیم و باید که این پاسخ را، که متأسفانه در «افواه عوام و خواص» افتاده، به عنوان یکی از فرضیّات این مسأله بپذیریم، ولی بدیهی است که پذیرفتن فرضیه کاشف از حقیقت و واقع مطلب نخواهد بود و تا زمانی که دلائل مستند و کافی در ردّ و نفی یا قبول و تأیید آن ارائه نشود صرفاً در حد یک فرضیه باقی خواهد ماند. خوشبختانه احکام قرآنی و رهنمودهای پیامبر اکرم (ص) نیز دو میزان استوار و معیار روشنگر در چنین موارد و مسائل پیش روی ماسلمانان نهاده‌اند که هر دو مؤید و مکمل این اصل مهم در «روش تحقیق» اند. مراد از این دو میزان و معیار، یکی آیه کریمه «یا ایّها الذّین

آمَنُوا إِنْ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَنْ تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْبِحُوا عَلَىٰ مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ» (حجرات، ۶/۴۹)، و دیگر اصل فقهی مشهور و مهم برائت است. خداوند در این آیه به می آموزد که برای ارزیابی سخن فاسقان — به شرط احراز فسق گزارشگران — باید به تبیین و تحقیق پردازیم تا حقیقت و واقعیت را دریابیم و از آثار و نتایج زیان بخش اجتماعی ظنّ سوء و اظهار نظرهای غیر متکی بر علم و نامستند برکنار بمانیم.

برای وصول به این مطلب که آیا در پس این سخنان ظاهر الصّلاح بانیان دانشکده، توطئه دین ستیزی و معارضه با حوزه های علمیه نهفته بوده است، دو راه به نظر می رسد: یکی تفحص و تتبع پی گیر در میان اسناد و مدارک بر جای مانده از مذاکرات مسؤولان و متولیان برنامه ریزی های کلان فرهنگی و آموزشی در سالهای مقارن تأسیس دانشگاه تهران (۱۳۱۳ش) و دستیابی به سندی معتبر و احتمالاً محرمانه در این باره، و دیگری ارزیابی دقیق فعالیتهای دانشکده الهیات در عرصه عمل. بدیهی است این ارزیابی مستلزم بررسی برنامه ها و مواد درسی، مطالعه شرح احوال و آشنایی با شخصیت علمی و اخلاقی استادان و مدرسان و نیز بررسی و پی گیری زندگی سیاسی، اجتماعی، علمی و تحقیقاتی دانش آموختگان دانشکده و سرانجام ارزیابی کارنامه جامع سیاسی، اجتماعی، علمی و تحقیقاتی این مؤسسه در طول فعالیت آن از آغاز تا امروز است و این خود می تواند موضوع طرح تحقیقاتی بزرگی باشد که نتایج و فواید بسیاری بر آن مترتب خواهد بود.

اما اکنون که به اسنادی معتبر درباره انگیزه ها و اهداف پشت پرده تأسیس دانشکده الهیات دست نیافته ایم و هنوز مطالعه ای دقیق و جدی و جامع نیز درباره کارنامه دانشکده الهیات و شرح احوال استادان و مدرّسان و دانش آموختگان آن به عمل نیامده و به نظری روشن و استوار در باب خدمت و خیانت آنان دست نیافته ایم، دست کم می توان به مصداق «مَالَا يُدْرِكُ كَلَهُ لَا يُتْرَكُ كَلَهُ» در حدّ مدارک موجود و در دسترس به اطلاعاتی دست یافت که روشنی بخش برخی از ابهامات و زداینده پاره ای از تردیدهاست.

خوشبختانه برنامه و مواد درسی و آیین نامه های اجرائی نخستین دوره دانشکده و نیز نام و نشان استادان، مدرّسان، دانشجویان و دانش آموختگان دوره های نخستین در دست است. به نظر می رسد در پرتو مطالعه این اسناد و مدارک آسان تر و مطمئن تر بتوان در ردّ یا قبول اتهام و فرضیه مذکور یا نیل به نظراتی دیگر و دست کم نزدیک تر شدن به واقعیت و — ان شاء الله —

حقیقت مطلب گام برداشت. بدیهی است که نشر این اسناد راه بررسی و تحقیق را برای پژوهشگران هموار، و زمینه و امکان یافتن پاسخ درست و استوار را به پرسش مذکور فراهم می‌سازد.

سند شماره ۱

«دستور تعلیمات دانشکده علوم معقول و منقول»

«ماده اول - دوره تحصیلات دانشکده علوم معقول و منقول شامل یک دوره مقدماتی و یک دوره عالی می‌باشد، قسمت مقدماتی سه سال است و دوره عالی به سه شعبه منقسم است: شعبه عالی منقول و شعبه عالی معقول و شعبه علوم ادبیه. مدت تحصیل در هر یک از این سه شعبه شش سال است.

ماده دویم - شرط ورود به تحصیلات مقدماتی داشتن تصدیقنامه رسمی دوره اول متوسطه است و شرط ورود به تحصیلات عالی داشتن تصدیقنامه دوره مقدماتی است.

تبصره - اشخاصی که در خارج تحصیل نموده‌اند می‌توانند در امتحان نهائی دوره مقدماتی شرکت نمایند.

ماده سوم - بعد از طی دوره مقدماتی به اشخاصی که از عهده امتحان بر آمده‌اند وزارت معارف تصدیق مقدمات علوم دینی اعطاء می‌نماید و آنان از حقوق قانونی دارندگان تصدیقنامه کامل متوسطه بهره‌مند خواهند شد.

ماده چهارم - کسانی که دوره سه ساله شعب عالی این دانشکده را مطابق نظامنامه امتحانات امتحان می‌دهند به اخذ درجه جواز مدرسی (لیسانس) در شعب مذکور نائل خواهند شد و کسانی که دوره شش ساله را طی می‌نمایند به درجه فقیه، حکیم، ادیب که مطابق است با دکتری نائل می‌شوند.

ماده پنجم - صاحبان جواز مدرسی برای تدریس در دبیرستانها و صاحبان درجه دکتری برای تدریس در دانشکده‌ها هر یک در رشته خود بر سائر داوطلبان حق سبقت خواهند داشت، مشروط بر اینکه مواد مربوط به تعلیم و تربیت را مطابق مقررات و دستور دانش سرای عالی امتحان دهند.

ماده ششم - در هر یک از دوره‌های منقول و معقول و علوم ادبیه محصل باید مواد ذیل را به ترتیب امتحان داده و شهادت نامه حاصل نماید؛ تعیین ساعات دروس و انتخاب کتب منوط به تصویب شورای دانشکده می‌باشد. در دوره‌های سه ساله دوم موضوعات از حیث دروس و دوره‌های سه سال اول تدریس خواهد شد.

مادّه هفتم - مواد تحصیلات عالیّه معقول و منقول و علوم ادبیّه به قرار ذیل

است:

شعبه منقول

دوره سه ساله اول

- ۱- فقه، ۲- اصول، ۳- کلام، ۴- تفسیر، ۵- علوم ادبیّه، ۶- علم الدرایه، ۷-
- منطق و فلسفه (الهیات عام)، ۸- تاریخ ادبیات عرب، ۹- زبان فرانسه.

دوره سه ساله دوم

- ۱- فقه، ۲- اصول، ۳- فلسفه، ۴- تفسیر، ۵- تاریخ ملل و نحل و دیانت
- اسلام، ۶- فقه الحدیث، ۷- علوم ادبیّه.

شعبه معقول

دوره سه ساله اول

- ۱- کلام، ۲- منطق و حکمت (نظری و عملی)، ۳- تاریخ ادبیات عرب، ۴-
- علوم ادبیّه، ۵- تاریخ ملل و نحل و تاریخ دیانت اسلام، ۶- تفسیر،
- ۷- زبان فرانسه.

دوره سه ساله دوم

- ۱- فلسفه (مشاء و اشراق)، ۲- تاریخ فلسفه، ۳- تفسیر، ۴- عرفان.

شعبه علوم ادبیّه

دوره سه ساله اول

- ۱- صرف و نحو عرب، ۲- تاریخ ادبیات عرب، ۳- معانی و بیان و بدیع عرب،
- ۴- فارسی و تاریخ ادبیات ایران، ۵- معانی و بیان و بدیع فارسی، ۶- تاریخ ایران و
- تاریخ عالم، ۷- فقه و اصول، ۸- منطق و فلسفه، ۹- زبان فرانسه.

دوره سه ساله دوم

- ۱- صرف و نحو عرب، ۲- معانی و بیان و بدیع ۳- عروض و قوافی، ۴- فقه و
- اصول، ۵- تفسیر، ۶- فلسفه و تاریخ فلسفه، ۷- تاریخ ادبیات ایران،
- ۸- قرض الشعر، ۹- تاریخ ملل و نحل، ۱۰- زبان فرانسه.

مادّه هشتم - مدرسین موظفند در امتداد سنوات تحصیلی در هر سال موضوعات مختلف از مواد تحصیلی معین نمایند و محصلین راجع به آن موضوعات تحقیقاتی نموده و مقالاتی بنویسند. این مقالات در حضور محصلین همان سال از طرف مدرّس انتقاد و تصحیح می شود.

ماده نهم - در پایان تحصیلات دوره اول و دوم داوطلبان بعد از گذراندن امتحان نهائی باید رساله‌ای در موضوعی که خود با مشاوره مدرسین انتخاب نموده باشند بنگارند. طرز تصویب این رساله بر طبق نظامنامه جداگانه خواهد بود.» (مجموعه رسائل دانشکده معقول و منقول، ۱/ ۱۷ - ۱۹).

این سند و سند شماره ۲ (نک: سطور بعد). که مشتمل بر مواد درسی سه شعبه تحصیلی دانشکده در دو دوره سه ساله (مجموعاً شش سال) است می‌تواند تا حدی محقق را در شناخت و دریافت اهداف بانیان این نهاد یاری کند، زیرا یکی از راههای القاء آراء و عقاید و ترویج آنها در جامعه و خاصه در میان نسل جوان گنجاندن خمیر مایه‌های آن آراء و عقاید در برنامه‌ها و متون درسی است، چنانکه پس از سال ۱۳۴۲ ش شاهد اعمال این سیاست و شیوه عمل بوده‌ایم: منظور داشتن درس «انقلاب سفید» - با حد نصابی بالا برای نمره قبولی - و نیز درس «تاریخ فرهنگ ایران» به عنوان دو واحد اجباری در همه رشته‌های دانشگاهی ناظر به این سیاست بوده است و از همین قبیل است دروس اجباری و مشترک «معارف اسلامی» و «تاریخ اسلام» در دانشگاهها پس از «انقلاب فرهنگی»؛ اما در این دو سند که اکنون پیش روی ماست چیزی که حاکی از این سیاست آموزشی باشد به چشم نمی‌خورد. این مواد درسی، تقریباً یکسره، همان دروس حوزه‌های علمیه است جز آنکه در قالب ساعات معین هفتگی و دوره‌های سالانه تحصیلی و نزدیک به معیارهای جهانی دانشگاهی انتظام یافته است. این ویژگیها در برنامه درسی و پیروی از آیین‌نامه‌های مدون و رسمی با پشتوانه اعطاء مدرک علمی و عناوین دانشگاهی با فواید جنبی آن، یعنی استخدام در سازمانهای دولتی، خود ممکن است این نهاد را به مثابه رقیبی در برابر حوزه‌های علمیه متجلی ساخته باشد و کسانی را هم بر آن داشته باشد تا گمان کنند که یکی از اغراض تأسیس «دانشکده معقول و منقول» حذف تدریجی حوزه بوده است. البته هر چند اثبات اینکه بانیان دانشگاه تهران عالماً عامداً با این نیت و هدف دست به تأسیس این دانشکده زده‌اند، مشکل است و نیاز به ارائه شواهد و دلائل دارد، اما کارکردهای آن با همان دروس و متون درسی حوزه و همکاری برخی از فضلای تراز اول حوزه با این نهاد و بویژه رویکرد گروه قابل توجهی از طلاب و داوطلبان تعلیمات حوزوی به این دانشکده زمینه مناسبی برای قبول و تأیید این ظن یا نظر فراهم می‌آورد و دست‌کم می‌توان گفت که فایده بالعرض تأسیس دانشکده معقول و منقول برای رهیم پیشین نوعی رقابت با حوزه و احیاناً تحدی جانشینی آن بوده است؛ هر چند هرگز این قصه و اندیشه،

به دلایلی که طرح آنها در این مجال نمی‌گنجد، تحقق نیافت. تأثیرات متقابل این دانشکده و حوزه، خاصه پس از انقلاب، خود در خور بحثی مستقل و مستوفی است.

سند شماره ۲

«دستور تحصیلات دوره مقدماتی دانشکده معقول و منقول^(۱)»
«سال اول:

فارسی شش ساعت در هفته

قرائت چهار باب از کلیله، قواعد زبان فارسی (تبدیل حروف) و معانی حروف مفرده، تاریخ ادبیات ایران قبل از اسلام تا ظهور غزنویان، انشاء و املاء.

فرانسه شش ساعت در هفته

مطابق سال چهارم ادبی.

عربی هشت ساعت در هفته

صرف در حدود شرح تصریف، نحو در حدود هدایه و قرائت قطعات نظم و نثر از جلد اول مجانی الأدب و آیات اخلاقی و اخبار با صیغه‌سازی و ترکیب و حفظ بعضی از آنها و ترجمه عبارات ساده عربی به فارسی و فارسی به عربی

منطق یک ساعت در هفته

در حدود کبری یا منهاج المبین بابا افضل.

فقه سه ساعت در هفته

در حدود مختصر نافع عبادات و معاملات و موارد.

تاریخ سه ساعت در هفته

مطابق سال چهارم ادبی به اختصار.

سال دوم:

فارسی پنج ساعت در هفته

باقی کلیله و دو باب از مرزبان نامه، تاریخ ادبیات از ظهور غزنویان تا آخر هفتم، انشاء و املاء.

۱. «دستور» (برنامه) تحصیلات مقدماتی دانشکده معقول و منقول در دویت و نود و یکمین جلسه شورای عالی معارف به تاریخ ۲۹ آبان ۱۳۱۳ به تصویب رسیده است.

فرانسه پنج ساعت در هفته

مطابق سال پنجم ادبی.

عربی هشت ساعت در هفته

صرف در حدود نصف اول شرح نظام و نحو در حدود سیوطی تا باب نداء و قرائت از کتاب دوم مجانی الادب با صیغه سازی و ترکیب و حفظ بعضی قطعات و ترجمه عبارات عربی به فارسی و فارسی به عربی مشکل تر از سال سابق.

منطق دو ساعت در هفته

منطق در حدود متن منطق تجرید تا مباحث قیاس.

فقه چهار ساعت در هفته

از شرایع عبادات.

اصول سه ساعت در هفته

در حدود نصف معالم.

تاریخ دو ساعت در هفته

مطابق دستور سال پنجم متوسطه ادبی باختصار.

هیئت یک ساعت در هفته

مطابق نیمه اول از سال ششم متوسطه.

سال سوم:

فارسی پنج ساعت در هفته

قرائت قطعات منتخبه نثر از بیهقی و جهانگشا و نمونه مختصری از مقامات حمیدی و وصال و نظم از فردوسی و سنائی و نظامی و سعدی و حافظ، تاریخ ادبیات ایران از اوایل قرن هشتم تا عصر حاضر، املاء و انشاء.

فرانسه پنج ساعت در هفته

مطابق سال ششم ادبی.

عربی هشت ساعت در هفته

صرف بقیه شرح نظام و نحو نصف آخر سیوطی و قرائت بعضی از آیات قرآن مجید و جلد سوم مجانی الادب با اشاره بقواعد صرف و نحو.

منطق دو ساعت در هفته

بقیه متن منطق تجرید.

فقه سه ساعت در هفته

بقیه شرایع.

اصول چهار ساعت در هفته

بقیه معالم.

تاریخ دو ساعت در هفته

مطابق سال ششم متوسطه ادبی باختصار

هیئت یک ساعت در هفته

بیان و شرح اصطلاحاتی که در فهم کتب فقه دخالت دارد.

تبصره ۱ - در تدریس تاریخ ادبیات باید به ذکر مشاهیر اکتفا شود.

تبصره ۲ - در سال دوم و سوم محصلین باید هر قدر ممکن شود الفیه را حفظ

کنند. (مجموعه رسائل دانشکده معقول و منقول، ۲/۱۹، ۲۱).

اما پژوهشگران باتجربه، دقیق و شکاک، در تتبع و نیل به حقایق هرگز به ظواهر سند، خاصه اگر اسناد رسمی و دولتی باشند، اعتماد و اکتفا نمی‌کنند و در ردیابی حقایق در پی اسناد و مدارکی اند که هر چه بیشتر بر پایه واقعیات عملی زندگی مردم و دور از تشریفات اداری و رسمی مسؤولان امور شکل و تدوین یافته باشند. در موضوع مورد بحث ما سندی از این نوع چنین پژوهشگر و سواسی را می‌تواند یاری دهد. این سند «صورت سؤالات کتبی امتحانات داخلی و نهائی دانشکده در آخر سال تحصیلی ۱۴-۱۳۱۳» است. از این سؤالات می‌توان دریافت که چه سنخ مطالبی در کلاس مطرح شده است، و پژوهشگر امکان می‌یابد تا با مقایسه آن با سند شماره ۱ و ۲ در یابد که تا چه میزان آن برنامه‌های رسمی مصوب عملاً اجرا شده است و مهم‌تر آنکه از مذاق و مشرب علمی و احیاناً سیاسی، اجتماعی و اعتقادی استادان، کمابیش آگاه شود. این نکته اخیر در کنار اطلاعاتی که از استادان این دانشکده در آن ایام در دست است، خود می‌تواند به بسیاری از پرسشهای مندرج در این مقاله پاسخ دهد. نقل همه این سند - سند شماره ۳ - به سبب طولانی بودن آن در این مجال ممکن نیست؛ از این رو به نقل نمونه‌هایی از آن سؤالات بسنده می‌شود (برای مطالعه همه سند نک. مجموعه رسائل دانشکده معقول و منقول، ۲/۱۱ - ۱۸).

سند شماره ۳

«صورت سؤالات کتبی امتحانات داخلی و نهائی دانشکده»

«در آخر سال تحصیلی ۱۴ - ۱۳۱۳»

۱. انشاء فارسی

سال اول ادبی

چو در قومی یکی بی دانشی کرد نه که را منزلت مانند نه مه را

سال دوم ادبی

هر علم را که کار نبندی چه فایده چشم از برای آن بود آخر که بنگری

۲. تاریخ ادبیات ایران

ادبیات ۱:

۱- کیفیت حدوث شعر فارسی و اولین شاعر.

۲- چگونگی ادبیات در عهد بنی العباس.

ادبیات ۲:

۱- دقیقی و زندگانی او.

ادبیات ۳:

۱- چگونگی ادبیات در عهد غزنوی.

۲- شرح حال ابوریحان و تألیفات و مقام علمی او

۳. تاریخ ادبیات عرب

ادبیات ۱:

۱- انواع نظم و نثر جاهلیت و خصائص هر یک.

۲- لید.

ادبیات ۲:

۱- علوم و ادبیات در عصر عباسی.

۲- ابوالعلاء معری.

ادبیات ۳:

۱- علوم در عهد مغول و ممیزات این عهد.

۲- علماء شیعه در عهد مغول و ترک.

...

۴. تاریخ ایران

ادبیات ۲:

۱- علت عمده زبونی ایرانیان در برابر مغولان چه بوده؟

۲- با در آمدن سلجوقیان به ایران چه تبدیل‌هایی در این کشور روی داد؟

ادبیات ۳:

۱- از پیدایش دولت صفوی در ایران چه نتیجه‌هایی حاصل شد؟

۲- اجمالی از تاریخ نادرشاه و نظر او در سیاست داخلی و خارجی ایران ذکر

شود.

...

۵. معانی و بیان

ادبیات ۳:

۱ - غرض از تشبیه را بیان کنید.

۲ - اقسام الف و لام باید مشروحاً بیان شود با ذکر امثله.

ادبیات ۱:

۲ - اقسام فاء مفرده باید مشروحاً بیان شود با ذکر امثله.

...

۶. نحو

ادبیات ۲:

۱ - در موارد اشتباه فاعل از مفعول طریقه و قانون رفع اشتباه باید بیان شود.

معقول ۲:

اقسام حال بر حسب اعتبارات و حیثیات باید کاملاً بیان شود با ذکر امثله.

۷. صرف

معقول ۱:

۱ - بماذا يعرف القلب فی الكلمة؟

۲ - ماهی معانی باب افعال؟

...

۸. فرانسه

در تمام کلاسها

دیگته و قرائت و مکالمه و ترجمه از فارسی به فرانسه و از فرانسه به فارسی.

...

۹. منطق

معقول ۱:

۱ - کم قسماً یكون للضرورة؟ و ماهی انحاء الوصفية منها؟

۲ - هل تنعکس السوالب من المطلقات ام لا؟ و ان لم تنعکس فما وجه عدم

احتجاج الحجة التي احتج بها القائل بالانعكاس؟

...

۱۰. منطق عملي

معقول ۲:

۱- فرض علمی چیست، شرائط و فوائد آن کدام اند.

۲- متدهای استوارت میل را بیان نمائید.

۱۱. اصول

منقول ۱:

۱- اذاشك في ان حجة الخبر بل مطلق الامارات من باب الموضوعية او الطريقة و لم يحرز انها على اي الوجهين فالاتيان باوامرها مخيرام لا حسب مقتضى الاصول

۲- هل الحكم يشمل الافراد الطولية للموضوع اذا توقف دخولها فيه على شمول الحكم بسائر الافراد و ماذا مقتضى الاصل عندالشك في الشمول؟
۳- كيف التوفيق بين الايات الرداة عن العمل بالظن والادلة الداله على حجة الظن.

...

۱۲. فلسفه ملاصدرا

معقول ۲:

۱- عقیده حکما مشاء و اشراق را در مسئله معاد مختصراً بیان و نظر صدرالمتألهین را مفصلاً بیان کنید.

۲- اختلاف نظر صدرالمتألهین را در خصوص معاد جسمانی با سائر حکماء و متکلمین شرح دهید.

...

۱۳. فقه

معقول ۱:

۱- هل مبدأ خيار الحيوان من حين العقد او من حين التفرق باي دليل يمكن ان يتمسك اصحاب القولين و اذا اخترنا الاول فبماذا نجيب عن الدليل الثاني و لو شكنا فماذا مقتضى الاصول.

٢ - خيار را لغةً و اصطلاحاً معنى نمائيد، خيار رؤيت را با ذكر دليل شرح دهيد و بيان فرمائيد.

...

١٥ . حکمت

معقول ٢:

١ - اثبات تجرد نفس به طريق ادراك كليات.

٢ - اثبات كل معقول عاقل

...

معقول ٣:

١ - ما اقسام العلل الماهوى وما الفرق بين الفاعل الطبيعى والالهى و اى فرق بين الموضوع والمادة و فى اى شئى يكون عليه المادة والصورة.

...

١٦ . كلام

معقول ١:

١ - جوهر فرد ممكن التحقيق است يا نه و بر فرض امتناع ادله آنرا بيان نمائيد.

٢ - آيا اوليت در وجود ممكن كافى است يا محتاج به ايجاب و وجوب است و بر

فرض احتياج به وجوب دليل آنرا بيان نمائيد.

...

١٨ . تفسير

معقول ١:

١ - مرتبه منافقين را به نصوص قرآنيه معين و نصوص را تفسير نمائيد.

منقول ١:

١ - مالفرق بين الكلام والكتاب و مالفرق بين القرآن و الفرقان.

١٩ . فلسفه اشراق

سوم معقول:

١ - كيف يكون التوفيق بين قولهم الوجود مشكك بالتشكيك الخاصى مع قولهم

يمنتع ان يكون ما به الامتياز عين ما به الاشتراك كما ذكروه فى ردّ شبهة ابن كمونه.

٢ - كيف التوفيق بين قولهم العرض القريب ما يعرض بواسطة الاخص و غالب

محمولات الفلسفیه يعرض الموجود بما هو موجود بواسطة الانواع.

...

۲۰. فلسفه جدید

معقول ۳:

- ۱ - جنبه اخلاقی مذهب برهما
- ۲ - مذهب ذره ابدیه، ذیمقراطیس.

...

۲۱. اخلاق

معقول ۳:

- ۱ - ما معنی السعادة و بینوا الاختلاف فيه؟
- ۲ - الی کم قسم تنقسم القوى النفسانية و هل الاقسام متبانية ام هی متحدة؟

...

۲۲. درایه

معقول ۳:

- ۱ - حجیه خبر الواحد هل هی من مسائل الاصول علی ما هو المشهور او من مسائل علم الدراية؟
 - ۲ - مالفرق بین القرآن والاحادیث القدسیة؟
- امتحانات در تاریخ یکشنبه یازدهم خرداد ماه ۱۳۱۴ با انتظامات کامل و جریانات مذکور در فوق خاتمه یافت.» (همان، ۱۱/۲، ۱۸).

اما آنچه در این بحث و وصول به نتیجه مطلوب اهمیت دارد، آشنایی با شخصیت علمی، اخلاقی و دیدگاههای سیاسی - اجتماعی مدرّسان و استادان این دانشکده، خاصه در آغاز تأسیس آن است. خوشبختانه اسناد و مدارکی برای نیل به این شناخت در دست داریم. در «عدد دوم» از مجموعه رسائل دانشکده معقول و منقول (ص ۲۱ - ۲۲) چنین آمده است:

تشکیلات دانشکده در سال ۱۳ - ۱۳۱۴

۱ - آقای سید نصرالله تقوی رئیس دانشکده و استاد رشته ادبیات (معانی

بیان فارسی).

۲ - آقای بدیع الزمان فروزان فرّ معاون دانشکده و استاد رشته ادبیات

(معانی - تاریخ ادبیات ایران).

۳- آقای عبدالرسول تاهباززاده متصدی دفتر فنی دانشکده.

احصائیة استادان دانشکده

- ۱- آقای حکمت وزیر معارف استاد رشته معقول (تاریخ ملل و نحل)
- ۲- آقای سید محمد کاظم عصار استاد رشته منقول (اصول)
- ۳- آقای میر سید محمد فاطمی استاد رشته معقول (فلسفه اشراق)
- ۴- آقای عبدالحسین شیبانی استاد رشته ادبیات (تاریخ عالم)
- ۵- آقای دکتر ولی الله نصر استاد رشته ادبیات و معقول (فلسفه جدید - فرانسه)
- ۶- آقای زین العابدین ذوالمجدین استاد رشته منقول (فقه)
- ۷- آقای محمدعلی لواسانی استاد رشته منقول (فقه - درایه)
- ۸- آقای احمد کسروی استاد رشته ادبیات (تاریخ ایران)
- ۹- آقای احمد بهمنیار استاد رشته (فارسی - تاریخ ادبیات عرب)
- ۱۰- آقای غلامرضا یاسمی استاد رشته معقول (تاریخ ملل و نحل)
- ۱۱- آقای حسن نجم آبادی استاد رشته ادبیات (اصول)
- ۱۲- آقای جمال الدین اخوی استاد رشته معقول (منطق جدید)
- ۱۳- آقای حسن فرزانه استاد رشته در تمام شعب (فرانسه)
- ۱۴- آقای حسین گل گلاب استاد رشته تمام شعب (فرانسه)
- ۱۵- آقای سید محمد مشکوة استاد رشته معقول و منقول (حکمت - تفسیر)
- ۱۶- آقای مهدی قمشه [ای] استاد رشته معقول و ادبیات (فلسفه ملاصدرا)
- ۱۷- آقای مهدی نوری استاد در تمام شعب (نحو)
- ۱۸- آقای یدالله نظرپاک استاد رشته معقول و منقول (کلام و اصول)
- ۱۹- آقای محمود شهابی خراسانی استاد در تمام شعب (منطق - قرائت عربی)
- ۲۰- آقای باقر مشایخ فریدن استاد در تمام شعب (صرف)
- ۲۱- آقای محمد قیاض استاد رشته ادبیات (بیان - قرائت عربی)

بدیهی است تنها مطالعه این فهرست موصل به حقیقت و راهبر به واقعیت نخواهد بود و ضرورت دارد با شرح احوال و شخصیت علمی و اخلاقی و زندگی سیاسی - اجتماعی و

فرهنگی و در صورت امکان با زندگی شخصی و روحیات فردی این مردان آشنا شویم. گزارش این مطالعات و تحقیقات در این مجال و در این جستار ممکن نیست، اما - اگر خدا بخواهد - کوشش خواهیم کرد تا در دفترهای بعدی مقالات و بررسیها شرح احوال یکایک این استادان و استادان پس از آنان به تدریج ارائه گردد و نیز - اگر خدا بخواهد - برای روشن تر شدن مسأله مذکور و نیل به پاسخ درست، به طرح مطالبی دیگر چون شرح احوال و آثار علمی و خدمات دانش‌آموختگان نام‌آور و گمنام این دانشکده پردازیم. نخستین گام را در این جهت از همین دفتر و با تقدیم شرح احوال «سید محمد کاظم عصار» بر می‌داریم.*